



### «گزارش وطن امروز» درباره عملکرد نوروزی تلویزیون

# هر روزتان نوروز

## انتقال مفاهیم در بستر سرگرمی یک ایده همیشه موفق است



در دنیای رسانه‌های امروز، تلویزیون یکی از مهم‌ترین ابزارهای ارتباط جمعی است که نه تنها به عنوان منبع خبر، بلکه به عنوان عامل اصلی سرگرمی در جوامع عمل می‌کند. در این میان، نقش سرگرمی در تلویزیون نه تنها مقوله‌ای فنی نیست، بلکه ضرورتی راهبردی محسوب می‌شود که در صورت نادیده گرفته شدن، پیامدهای جدی برای مرجعیت رسانه‌ای و نظام اطلاعاتی کشور خواهد داشت. این نوشتار با تکیه بر نظریات ارتباطات، جامعه‌شناسی رسانه و روان‌شناسی اجتماعی، به این پرسش می‌پردازد که چرا وظیفه اصلی تلویزیون سرگرم‌سازی است و چگونه ناکامی در این زمینه می‌تواند مرجعیت رسانه‌ای را از داخل به خارج منتقل کند. سرگرمی یکی از اساسی‌ترین نیازهای انسانی است که در سطوح فردی و جمعی اهمیت دارد. از منظر روان‌شناختی، انسان‌ها برای تعدیل تنش‌های روزمره، کاهش استرس و یافتن تعادل ذهنی نیازمند سرگرمی هستند. این امر بویژه در جوامع مدرن که فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بر افراد سنگینی می‌کند، اهمیتی مضاعف دارد. رسانه‌ها بویژه تلویزیون، از طریق تولید محتوای سرگرم‌کننده همچون سریال‌های جذاب، برنامه‌های طنز، مسابقات تلویزیونی و برنامه‌های ورزشی، این نیاز بنیادین را برآورده می‌کنند. در سطح اجتماعی، سرگرمی نقشی حیاتی در انسجام اجتماعی ایفا می‌کند. از دیدگاه نظریه پردازانی همچون امیل دورکیم، جوامع برای حفظ همبستگی اجتماعی نیازمند آیین‌ها و فعالیت‌هایی هستند که مردم را به یکدیگر پیوند دهند. تلویزیون با تولید محتوای سرگرم‌کننده که تجربه‌های مشترک را برای طیف وسیعی از مخاطبان رقم می‌زند، به نوعی آیین جمعی مدرن تبدیل شده است که وحدت ملی و انسجام فرهنگی را تقویت می‌کند. تلویزیون برای حفظ جایگاه خود به عنوان رسانه تأثیرگذار، نیازمند سرمایه نمادینی است که بخشی از آن از طریق مرجعیت خبری و بخشی دیگر از طریق اعتماد مخاطبان به عنوان منبع اصلی سرگرمی به دست می‌آید. اگر تلویزیون در ارائه برنامه‌های جذاب و سرگرم‌کننده ناتوان باشد، نه تنها سرمایه نمادین خود را از دست می‌دهد، بلکه با شکل‌گیری شکاف در رضایت مخاطبان، آنان به سوی رسانه‌های جایگزین سوق پیدا می‌کنند. پیر بوردیو، نظریه‌پرداز اجتماعی، سرمایه نمادین را به عنوان عامل اصلی نفوذ و قدرت در عرصه رسانه‌های مطرح می‌کند. تلویزیونی که نتواند از طریق سرگرمی جذاب، سرمایه نمادین خود را افزایش دهد، در رقابت رسانه‌های شکست خواهد خورد. در چنین شرایطی، مردم به رسانه‌های

فرامرز و شبکه‌های ماهواره‌ای روی می‌آورد که با برنامه‌های سرگرم‌کننده و متنوع، جایگزین تلویزیون داخلی می‌شوند. مساله سرگرمی در تلویزیون تنها یک دغدغه فرهنگی نیست، بلکه به مشروعیت رسانه‌ای و حتی مشروعیت سیاسی مرتبط است. دولت‌ها برای حفظ نفوذ فرهنگی و کنترلی بر فضای افکار عمومی، نیازمند رسانه‌ای قوی و پرمخاطب هستند. تلویزیونی که در جلب مخاطبان خود ناکام باشد، به تدریج اعتماد عمومی را از دست می‌دهد و جایگاهش به عنوان مرجع خبری نیز تضعیف می‌شود. در چنین فضایی، رسانه‌های خارجی که از نظر سیاسی، فرهنگی و ایدئولوژیک اهداف خاص خود را دنبال می‌کنند، فرصت می‌یابند خلأ ناشی از ناتوانی رسانه داخلی در سرگرم‌سازی را پر کنند و از این طریق، مرجعیت خبری را از رسانه‌های داخلی بریابند. نمونه بارز این روند را می‌توان در کشورهای مختلف مشاهده کرد که با کاهش جذابیت رسانه‌های ملی، مردم به سمت رسانه‌های خارجی سوق پیدا کرده‌اند. این پدیده بویژه در کشورهای در حال توسعه که فضای رسانه‌ای آنها تحت تأثیر رسانه‌های بین‌المللی است، به وضوح دیده می‌شود. یکی از مهم‌ترین کارکردهای تلویزیون، بازتولید فرهنگ ملی و هویت جمعی از طریق محتوای سرگرم‌کننده است. سریال‌های تلویزیونی، برنامه‌های طنز و فیلم‌های سینمایی ساخته‌شده در داخل کشور، بستری برای تقویت ارزش‌های ملی، سنت‌ها و باورهای فرهنگی هستند. اگر این بستر به اندازه کافی جذاب نباشد، فرهنگ ملی در معرض تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد و مردم به تدریج با الگوهای فرهنگی بیگانه خو می‌گیرند. در این زمینه، نظریه کانتشت جورج گرینر نشان می‌دهد رسانه‌ها از طریق تکرار پیام‌های خاص، دیدگاهها و نگرش‌های مخاطبان را شکل می‌دهند. اگر تلویزیون داخلی نتواند با تولید سرگرمی‌های جذاب، محتوای ملی و بومی را ترویج کند، این خلأ را رسانه‌های خارجی خواهند کرد و در نتیجه، فرهنگ و هویت ملی دچار استحاله می‌شود. عدم توانایی تلویزیون در تولید محتوای سرگرم‌کننده جذاب، چندین پیامد منفی به همراه دارد. افزایش مخاطبان رسانه‌های خارجی، تضعیف مرجعیت خبری داخلی، فرسایش سرمایه اجتماعی و تضعیف فرهنگ ملی، برای جلوگیری از این روند، چندین راهکار پیشنهاد می‌شود: سرمایه‌گذاری در تولید محتوای باکیفیت، استفاده از نظرات و سلاقی مخاطبان، توسعه ژانرهای متنوع و تقویت حوزه طنز و درام، سرگرمی نه تنها یک وظیفه جانبی، بلکه مأهویت اصلی تلویزیون است. در عصر رقابت شدید رسانه‌های تلویزیونی، قادر به سرگرم‌سازی مؤثر نباشد، به تدریج جایگاه خود را از دست می‌دهد و این امر زمینه‌ساز انتقال مرجعیت رسانه‌ای به خارج از مرزها می‌شود.

بنابراین، سیاست‌گذاران رسانه‌ای باید با نگاهی راهبردی به مقوله سرگرمی، آن را به عنوان ابزاری کلیدی در حفظ مرجعیت خبری و فرهنگی کشور در نظر بگیرند. نمونه‌های اخیر تلویزیون ایران نیز نشان‌دهنده این ضرورت هستند. فصل هفتم سریال «پایتخت»، به رغم تمام انتقادات، به دلیل روایت جذاب و شخصیت‌های محبوب خود همچنان توانسته است مخاطبان بسیاری را جذب کند. از سوی دیگر، برنامه‌هایی نظیر «۱۰۰۱» که با حضور چهره‌هایی همچون محسن کیایی و استفاده از کاراکترهای محبوبی مانند جناب خان طراحی شده‌اند، گواهی بر این است که تلویزیون داخلی در صورت ارائه محتوای جذاب، همچنان می‌تواند در رقابت رسانه‌های باقی‌مانده این نمونه‌ها تأکیدی بر آن است که تلویزیون برای حفظ جایگاه خود، باید به طور مداوم در تولید محتوای سرگرم‌کننده سرمایه‌گذاری کند.

سرگرمی‌سازی تا چه حد یک کار سیاسی است؟ این پرسشی بنیادین است که در تحلیل نقش رسانه‌ها - بویژه تلویزیون - اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. برخلاف تصویری که ممکن است سرگرمی را صرفاً امری تفریحی و غیرسیاسی بداند، واقعیت آن است که تولید محتوای سرگرم‌کننده در سطح کلان، یک اقدام عمیقاً سیاسی محسوب می‌شود. از یک سو، رسانه‌هایی که توانایی تولید سرگرمی جذاب را دارند، قدرت اثرگذاری بر افکار عمومی را نیز در اختیار می‌گیرند و از سوی دیگر، رویکردی است که قادر به برنامه‌سازی می‌تواند رسانه را به تریبونیک‌جانبه برای سیاست‌توزیری آشکار تبدیل کند که اغلب نتیجه‌ای معکوس خواهد داشت. سرگرمی به عنوان



بستری برای سیاست‌گذاری عمومی، از دیرباز مورد توجه اندیشمندان رسانه‌ای و سیاسی بوده است. هانا آرنزت در بحث خود درباره «قدرت و روایت»، تأکید می‌کند که حکمرانی موفق، در گرو توانایی در شکل‌دهی به روایت‌های عمومی است. از این منظر، رسانه‌هایی که از طریق برنامه‌های سرگرم‌کننده، روایت‌های مقبول و محبوب جامعه را می‌سازند، عملاً در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی و شکل‌دهی به افکار عمومی نقش اساسی ایفا می‌کنند. در مقابل، رسانه‌ای که سیاست را به طور مستقیم و بدون پردازش‌های سرگرم‌کننده مطرح می‌کند، ممکن است نتواند پیام خود را به لایه‌های وسیع جامعه برساند، زیرا مخاطب عام، بیش از آنکه به اظهارات مستقیم سیاسی علاقه داشته باشد، به روایت‌هایی جذب می‌شود که به شکلی غیرمستقیم اما تأثیرگذار، پیام‌های اجتماعی و سیاسی را منتقل کنند. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های موفق این رویکرد را می‌توان در سریال‌های محبوبی مانند «پایتخت» مشاهده کرد. این سریال، در طول فصل‌های مختلف خود، توانسته با روایت‌های طنز و در عین حال عمیق، به مسائل مهمی همچون مهاجرت، اقتصاد، سبک زندگی و شکاف‌های نسلی بپردازد، بدون آنکه مستقیماً وارد شعارپردازی سیاسی شود. در فصل هفتم این سریال نیز شاهد همین ویژگی هستیم؛ روایتی که با استفاده از طنز، روایات انسانی و موقعیت‌های کم‌دی، به دغدغه‌های اجتماعی می‌پردازد. این دقیقاً همان رویکردی است که می‌تواند تأثیرگذاری سیاسی تلویزیون را افزایش دهد، بدون آنکه آن را به یک رسانه صرفاً تبلیغاتی و سیاسی تقلیل دهد.

## نگاهی به سریال درخشان و تماشایی «Severance» غریب آشنا!



بهراد روشنده

این تمام قصه Severance نیست. اما سوار آسانسور شوید و تصور کنید شکلی به شما در شرکتی نام‌آشنا پیشنهاد شده، با این شرایط که در ازای پذیرش آن عملاً هیچ اطلاعاتی از کار مورد نظر خود نداشته و ایضا تمام خاطرات‌تان در محل کار و زندگی شخصی، تفکیک خواهد شد. این یعنی جداسازی ذهنی برای خلق ۲ شخصیت متمایز در یک کالبد مشترک. شاید این برای برخی جذاب است که هیچگاه هیچگونه تصویری از محل کار و اطلاعاتی از شغل خود نداشته باشند تا نسخه دیگری از آنها داخل اداره مشغول کار باشد و در مقابل، نسخه خارجی، زندگی شخصی خود را بدون گذران وقت پشت آن میزهای حسنه‌کننده، ماشین‌های خواب‌آور، فضای خشک و اتمسفر منجمد محیط‌های اداری سپری کند. شاید در نگاه اول پیشنهاد وسوسه‌کننده و جالب توجهی باشد. شاید عمل جداسازی

برای‌تان همچون یک رویا تلقی شود اما این تمام ماجرا نیست. کمتر از زمان خواندن این مطلب از جمله اول تا این سطر، به دقیقه نمی‌رسد که از آسانسور پیاده می‌شوید. فراموش نکنید که نسخه داخلی شخصیتی است مستقل با هویتی متفاوت، خط مشی‌ای متمایز و در عین حال فردی دیگر، متولد شده از خود شما و شاید تنها وجه اشتراک‌تان شکل و ظاهر و جسمی باشد که یکسان است؛ ۲ روح در یک بدن. غریب آشنا. با هم از هم جدا. ظاهراً یکی و در حقیقت ۲ تا!

این خلاصه‌ای است از فیلمنامه دن اریکسون جوان که توجه کم‌دین باسابقه سینما یعنی بن استیلا را جلب می‌کند؛ سرمایه شرکت «پل تی‌وی» را پشتوانه راهش می‌سازد و خروجی‌اش می‌شود سریال پرمخاطب Severance؛ مضمون جذابی که تنها به ایده بدیعش بسنده نیست و با قصه‌ای بکر، دست به آفرینش جهانی رموز می‌زند؛ جهانی که قادر به سرگرم‌سازی سیاست‌های نظام‌های کثیف و فاسد اداری همراه است اما همه چیز هم در گروی قصه روان و ایده مبتکرانه سریال نیست.

Severance مجموعه‌ای است از آثار هنری، هندسه تصاویر، معماری تدوین، جادوی موسیقی، مهندسی صحنه و خط‌کشی دقیق و متقارن قاب‌ها که شما را سوار آسانسور خیال می‌کند. محل تلاقی محتوا با فرم در سطح یک فیلمسازی با راهروی روایتی پرپیچ و خم و هزار تویی رموز از جنس جداسازی؛ اثری که نه از الگوهای تبلیغاتی و مشتمل‌کننده نقلی‌لیکس پیروی می‌کند و نه کلیشه‌های مرسوم و همیشه تکراری دیگر شرکت‌های فیلمسازی را راج می‌زند. همزمان در خدمت به اصالت هنری، تمامیت احترام خود به مخاطب را حفظ می‌کند. برخی از ریتم کند سکانس‌ها گله دارند اما این اوج هنر و شناسه رسمی Severance است برای بینندگان: توقف عقربه‌های ساعت هم‌بها با تعریف نسبتب زمان در محل کار. از قضا هر چه کار به قسمت‌های انتهایی هر فصل نزدیک می‌شود، موازی با فرار کاترکها از زندان میزها، دور زدن ساختار منظم لومن و شکستن میله‌های مانیتور به وسیله کلیدها، ساز روایت خود را با تمپویی بالا در دست گرفته و به اتمام تدوینی مجزه‌آسا



## به عبارت دیگران

### درباره ستون «به عبارت دیگران»



تقی دزاکام

دنیای امروز، متأسفانه دنیای سرعت و اختصار است؛ دنیای مطالعه‌ها یا درست‌تر بگویم مثلاً مطالعه‌هایی است که اکثر در فضای مجازی اتفاق می‌افتد و به بیش از چند سطر یا ۲-۳ پاراگراف نمی‌رسد، دنیایی است که خواننده عجزل به خوب‌ترین و جذاب‌ترین بخش کتاب و رمان و متن و تحلیل نمی‌رسد؛ دنیایی است که خوانندگان کتاب‌های چندجلدی و رمان‌های بزرگ و متن‌های تفصیلی روزبه‌روز کمتر و کمتر می‌شوند. در چنین شرایطی، شاید یکی از کارهای خوب و خدمات‌ارزنده به مردمان چنین دنیاهایی این باشد که بنشینیم و برای‌شان بخش‌های ناب و جذاب کتاب‌ها و متون را انتخاب کنیم و در پیش چشم‌شان بگذاریم و حس دل‌انگیز فهمیدن و چشیدن نکات ناب را به آنها هدیه بدهیم و برای لحظاتی هم که شده به فکر کردن و اندیشیدن وادارشان کنیم. این ستون برای همین راه‌اندازی شده است تا در آینه عبارت‌های دیگران شما را به چنین حال و هوایی ببرد و روح‌تان را فرسش کند. تلاشی ما این است که در انتخاب این گزیده‌ها تا حدود زیادی به مناسبت‌های زمانی توجه داشته باشیم و بر اساس نویسنده، مترجم یا مضمون نوشته یا زمانی که در آن روز به سر می‌بریم انتخاب کنیم و البته ممکن است گاهی خواسته باشیم شما را به لذت خوانش یک متن دلنشین بدون توجه به این مناسبت‌ها میهمان کنیم. آماده‌سازی و تهیه متون این ستون را تقی دزاکام بر عهده دارد که همین کار را ۳۵ سال پیش با ستون «گزیده اندیشه‌ها» در روزنامه کیهان کردید و بعدها گسترده‌تر با کاتالگ کتابخوانی «اب و آتش» در فضای مجازی ادامه داد که تاکنون ادامه دارد. از امروز این شما و این هم ستون تازه‌تأسیس «به عبارت دیگران». امیدواریم خوش‌تان بیاید و شما هم بخش‌های جذاب و قابل تأمل کتاب‌ها و متون را که می‌خوانید برای ما ارسال کنید، با یک شرط. حتماً خودتان آن را خوانده باشید و بتوانید آن را با راجعات دقیق یعنی نام و نام‌آبادگی نویسنده و مترجم و ناشر و بویژه شماره صفحه برای‌مان بفرستید. این‌طور خیال‌مان راحت می‌شود که گول برخی نوشته‌های منتشره در گوگل و فضای مجازی را که متونی را به نویسندگان و شاعران مختلف نسبت می‌دهند نخورداید و اعتماد خوانندگان خوب‌مان به ما از دست نمی‌رود. پس با علی.

■ نخستین پیام سیاسی امام خمینی: قیام کنید!  
قاله الله تعالی: قُلْ اِنَّمَا اَعْتَدَكُم بَواحدَه اَنْ تَقُوْلوا لَهٗ مثنی و فرادی. خدای تعالی در این کلام شریفش، از سرمنزل تاریخ طبیعت تا منتزای سیر انسانیت را به یاد فناء داد و نیز او را به میقات محبوب خدای عالم از میانه تمام موانع انتخاب فرموده و این یک کلمه را پیشنهاد بشر فرموده. این کلمه، تنها راه اصلاح ۲ جهان است. قیام برای خداست که ابراهیم خلیل الرحمان را به منزل خلت رسانده و از جولوهای گوناگون عالم طبیعت رها کند.

خلیل‌آسار علم‌الباقین زن ندای «لا حول الا للیلین» زن قیام لله است که موسی کلیم را با یک عصا به فرعونیان چیره کرد و تمام تخت و تاج آنها را به باد فناء داد و نیز او را به میقات محبوب رساند و به مقام صُق و صُحو کشاند. قیام برای خداست که خاتم النبیین «صلی‌الله علیه و آله» را یک‌تنه بر تمام عادات و عقاید جاهلیت غلبه داد و بنهارا از خانه خدا برانداخت و به جای آن توحید و تقوا را گذاشت و نیز آن ذات مقدس را به مقام قوسین او ادنی رساند. خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده. قیام برای نفس است که بیش از ۱۰ میلیون شیعه را طوری از هم متفرق و جدا کرده که طعمه مشتت شهوت‌پرست پشت میز نشین شدند. قیام برای شخص است که یک نفر مازندران بی‌سواد را ضاخان پهلوی آرا بر یک گروه چندین‌میلیونی چیره می‌کند که حرث و نسل آنها را دستخوش شهوات خود کند. قیام برای نفع

شخصی است که الا آن هم چند نفر کودک خیال‌انگور را در تمام کشور بر اموال و نفوس و اعراض مسلمانان حکومت داده. قیام برای خود است که موقوفات مدارس و محافل دینی را به رایگان تسلیم مشتتی هرزه‌گرد بی‌شرف فدای نفس از هیچ‌کس در نمی‌آید. قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زن‌های عقیف مسلمان برداشت و الا آن هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی علیه آن سخنی نمی‌گوید. قیام برای نفع‌های شخصی است که روزنامه‌ها که کالای پخش فساد است، امروز هم همان نقشه‌ها را که از مغز خشک رضاخان بی‌شرف تراوش کرده، تعقیب می‌کنند و در میان توده پخش می‌کنند. قیام برای خود است که مجال به بعضی از این وکلای قاچاق داده که در پارلمان علیه دین و روحانیت هر چه می‌خواهد بگوید و کسی نفس نکشد. هان ای روحانیون اسلامی! ای علمای ربانی! ای دانشمندان دیندار! ای گویندگان آیین‌دوست! ای دینداران خداخواه! ای خداخواهان حق‌پرستا! ای حق‌پرستان شرافتمند! ای شرافتمندان وطنخواه! ای وطنخواهان باناموس! مؤظلت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفع‌های شخصی کرده تا به همه سعادت‌های ۲ جهان نایل شوید و با زندگانی شرافتمندانه ۲ عالم دست در آغوش شوید. انْ لَهٗ فی اِتامِ دهرِکُم نَفحاتٌ اَلَا فَتَعْرَضُوا لَها. امروز روزی است که نسیم روحانی الهی وزیدن گرفته و برای قیام اصلاحی بهترین روز است، اگر مجال را از دست دهید و قیام برای خدا نکنید و مراسم دینی را عودت ندهید، فرادست که مشتت هرزه‌گرد شهوت‌ران بر شما چیره شوند و تمام آیین و شرف شما را دستخوش اعراض باطله خود کنند. امروز شماها در پیشگاه خدای عالم چه

عذری دارید؟ همه دیدید کتاب‌های یک نفر تریز بی‌سروا ی‌احمد کسروی را که تمام آیین شماها را دستخوش نامسز کرد و در مرکز تشیع به امام صادق و امام غایب «وحی‌له‌اللقاه» آن همه جاسارت‌ها کرد و هیچ کلمه از شماها صادر نشد؛ امروز چه عذری در محکمه خدا دارید؟ این چه ضعف و بیچارگی است که شماها را افرا گرفته؟ ای آقای محترم که این صفحات را جمع‌آوری کردید و به نظر علمای بلاد و گویندگان رساندید! خوب است یک کتابی هم فراهم آورد که جمع تفرقه آنان را کند و همه آنان را در مقاصد اسلامی همراه کرده از همه امضا می‌گرفتید که اگر در یک گوشه مملکت به دین جسارتی می‌شد، همه یک‌دل و یک جهت از تمام کشور قیام می‌کردند. خوب است دینداری را دست‌کم از بهایبان یاد بگیرید که اگر یک نفر آنها در یک دیه زندگی کند از مراکز حساس آنها با او رابطه دارند و اگر جزئی تعدی به او شود برای او قیام کنند. شماها که به حق مشروع خود قیام نکردید، خیره‌سران بی‌دین از جا برخاستند و در هر گوشه زمزمه بی‌دینی را آغاز کردند و به همین زودی بر شما تفرقه‌زده‌ها چنان چیره شوند که از زمان رضاخان روزگارتان سخت‌تر شود. و من یخ‌رخ من نیته مهاجر الی‌الله و رسوله ثم یدر که الموت فقد و قَع اجْرَهٗ عَلَی‌الله.

۱۱ شهر جمادی‌الاولی ۱۳۶۳  
سیدروح‌الله خمینی  
\* این پیام، یکی از تاریخی‌ترین اسناد مبارزاتی امام خمینی به شمار می‌آید و اصل نسخه خطی آن در کتابخانه وزیر یزد گهرداری می‌شود و نخستین‌بار پس از انقلاب اسلامی در روزنامه کیهان منتشر شد و سپس در صحیفه امام، جلد اول، صفحات ۲۲ تا ۲۴ آمد.